

## بررسی ویژگی های سبکی (زبانی) کتاب کشف الحقایق<sup>۱</sup>

معصومه باقری<sup>۱</sup>، عبدالله نصرتی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد همدان، ایران  
<sup>۲</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد همدان، ایران

### چکیده

کتاب کشف الحقایق از جمله کتابهای عرفانی علمی عزیزالدین نسفی عارف و نویسنده و دانشمند اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم است. عمده کوشش ما در این پایان نامه، به بررسی ویژگیهای زبانی این کتاب اختصاص یافته است، تعیین سبک دوره کتاب و ویژگیهای اختصاصی آن از دیگر اهداف انجام این پژوهش بوده است. با مطالعات و بررسی های انجام شده معلوم شد ویژگیهای سه دوره سبک نثر را در این کتاب به آسانی می توان یافت.

۱- ویژگیهای نثر مرسل که چشم گیرترین مشخصه نثر کتاب است.

۲- ویژگیهای نثر بین بین

۳- ویژگیهای نثر فنی

در پاسخ به پرسش مطرح شده در این پژوهش می توان گفت که کتاب دارای نثری کاملا ساده و روان است که از مشخصه های بارز نثر مرسل می باشد همچنین آثار و نشانه هایی از مشخصه های سبکی نثر فنی در آن دیده می شود از جمله کاربرد فراوان واژگان عربی و آیات و احادیث در متن نوشته ها که نشان دهنده وجود این سه ویژگی در نثر کتاب می باشد.

**واژه های کلیدی:** کشف الحقایق، سبک، ویژگی های سبکی نثر نسفی

<sup>۱</sup> داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

## مقدمه

ادبیات منثور عرفانی بخش قابل اعتنایی از میراث ادبی ماست و «کشف الحقایق» مهمترین تألیف عارف بزرگ قرن هفتم هجری است که به نثر روان و فصیح نوشته شده است. و یکی از آثار مهم عرفانی و ادبی این قرن است. شیخ عزیزالدین نسفی از مردم نسف خوارزم بود وی شاگرد و مرید سعدالدین حمویه، یکی از مظاهر اصیل طبع لطیف و ذوق سلیم مسلمانان عموماً و قوم شریف ایرانی به خصوص تصوف است که سهمی عمده را در شئون زندگی این قوم داراست. و نقشی به سزا و قابل توجه در معارف و ادب صوفیانه از خود به یادگار گذاشته است و فی الحقیقه بزرگترین تجلی گاه لطف طبع و عظمت فکر و علو همت و سعه صدر و سلامت ذوق ملت ایران؛ همان آثار صوفیانه ای است که، در اصول نظری و رسوم عملی و مبادی، مقررات اخلاقی او باقی و برقرار مانده است (نسفی، ۱۳۹۱: ۷ مقدمه مصحح)

این آثار گرانبها علاوه بر فواید عرفانی، علمی و کلامی که بر آنها مترتب است، دارای ارزش ادبی فراوانی است. کتاب کشف الحقایق از جمله آثاری است که بنابر نوشته دکتر احمد مهدوی دامغانی: یادگاری از نثر پخته و محکم قرن هفتم است.... در مقام مقایسه‌ی نثر نسفی با آثار منثور صوفیانه‌ی هم عصر او بلکه برتری نثر نسفی بر آنها بی هیچ تردید و یا تسامحی آشکار می شود.... سرتاسر کتاب از نثری یکدست و روان و دلکش آکنده است و حتی مطالب علمی و مباحث دقیق فلسفی و عرفانی نیز در منتهای سلاست و سادگی، تشریح و بیان می شود. مشخصات دستوری این کتاب نیز همان مشخصات عمومی نثر قرن هفتم است؛ ولی از آنجا که، عزیز در اصل اهل ماوراء النهر بوده است به سبک نگارش قدما انس بیشتری داشته است (همان: ۱۱) به همین دلیل می توان بسیاری از ویژگی های دوره های اول نثر (مرسل و ساده) را در این کتاب جستجو کرد. مثلاً می دانیم از جمله ویژگیهای نثر مرسل یکی تکرار واژگان و اکثر فعل ها و کوتاهی جملات است بخش زیر برای نمونه آورده می شود. اهل تناسخ می گویند: «که تفاوت آدمیان در مبادی از آن جهت است که بعضی در این عالم بسیار بوده اند و از قالبی به قالبی بسیار نقل کرده اند و تجربه و استعداد حاصل کرده و بعضی در این عالم اندک بوده اند و تجربه و استعداد حاصل نکرده اند و بعضی ظالم بوده اند اکنون مظلوم اند و بعضی توانگر بوده اند و اکنون درویشند»، (همان: ۱۱۴) کندوکاو در ویژگیهای دوره و بررسی سبک ویژه نویسنده و یافتن تفاوت های معنی دار آن و پیدا کردن بسامد موارد مساله مهم است که در این پژوهش دنبال می شود.

## ادبیات تحقیق

## سبک شناسی

ادبیات منثور عرفانی بخش قابل اعتنایی از میراث ادبی ماست و «کشف الحقایق» مهمترین تألیف عارف بزرگ قرن هفتم هجری است که به نثر روان و فصیح نوشته شده است. و یکی از آثار مهم عرفانی و ادبی این قرن است. شیخ عزیزالدین نسفی از مردم نسف خوارزم بود وی شاگرد و مرید سعدالدین حمویه، یکی از مظاهر اصیل طبع لطیف و ذوق سلیم مسلمانان عموماً و قوم شریف ایرانی به خصوص تصوف است که سهمی عمده را در شئون زندگی این قوم داراست. و نقشی به سزا و قابل توجه در معارف و ادب صوفیانه از خود به یادگار گذاشته است و فی الحقیقه بزرگترین تجلی گاه لطف طبع و عظمت فکر و علو همت و سعه صدر و سلامت ذوق ملت ایران؛ همان آثار صوفیانه ای است که، در اصول نظری و رسوم عملی و مبادی، مقررات اخلاقی او باقی و برقرار مانده است (نسفی، ۱۳۹۱: ۷ مقدمه مصحح)

این آثار گرانبها علاوه بر فواید عرفانی، علمی و کلامی که بر آنها مترتب است، دارای ارزش ادبی فراوانی است. کتاب کشف الحقایق از جمله آثاری است که بنابر نوشته دکتر احمد مهدوی دامغانی: یادگاری از نثر پخته و محکم قرن هفتم است.... در

مقام مقایسه‌ی نثر نسفی با آثار منشور صوفیانه‌ی هم عصر او بلکه برتری نثر نسفی بر آنها بی هیچ تردید و یا تسامحی آشکار می‌شود.... سرتاسر کتاب از نثری یکدست و روان و دلکش آکنده است و حتی مطالب علمی و مباحث دقیق فلسفی و عرفانی نیز در منتهای سلاست و سادگی، تشریح و بیان می‌شود. مشخصات دستوری این کتاب نیز همان مشخصات عمومی نثر قرن هفتم است؛ ولی از آنجا که، عزیز در اصل اهل ماوراء النهر بوده است به سبک نگارش قدما انس بیشتری داشته است (همان: ۱۱) به همین دلیل می‌توان بسیاری از ویژگی‌های دوره‌های اول نثر (مرسل و ساده) را در این کتاب جستجو کرد. مثلاً می‌دانیم از جمله ویژگی‌های نثر مرسل یکی تکرار واژگان واکثر فعل‌ها و کوتاهی جملات است بخش زیر برای نمونه آورده می‌شود. اهل تناسخ می‌گویند: «که تفاوت آدمیان در مبادی از آن جهت است که بعضی در این عالم بسیار بوده‌اند و از قالبی به قالبی بسیار نقل کرده‌اند و تجربه و استعداد حاصل کرده و بعضی در این عالم اندک بوده‌اند و تجربه و استعداد حاصل نکرده‌اند و بعضی ظالم بوده‌اند اکنون مظلوم‌اند و بعضی توانگر بوده‌اند و اکنون درویشند»، (همان: ۱۱۴) کندوکاو در ویژگی‌های دوره و بررسی سبک ویژه نویسنده و یافتن تفاوت‌های معنی‌دار آن و پیدا کردن بسامد موارد مساله مهم است که در این پژوهش دنبال می‌شود.

### سبک و نوع

«در عرف ادبیات نباید، نوع را با سبک اشتباه کرد، چه، نوع، عبارت است از: شکل ادبی که گوینده یا نویسنده به اثر خود می‌دهد. مثلاً در ادبیات اروپائیان گفته می‌شود: انواع درام، انواع خنده آور، پس شکل ظاهری یک اثر ادبی، جزء نوع محسوب می‌شود اما درسبک، از سببیه عمومی اثر یا نویسنده، از لحاظ موضوع و انعکاسات محیط در آن بحث می‌شود. بنابراین، سبک، هم فکر و هم جنبه‌ی ممتاز آن، و هم طرز تعبیر را در نظر می‌گیرد، در صورتی که نوع، فقط طرز انشاء را بیان می‌کند. با ذکر این مقدمه باید دانست؛ که هیچگاه نوع از سبک و سبک از نوع، بی‌نیاز نیست بلکه هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. چه هراثر ادبی، جزء یکی از انواع ادبیات، به شمار می‌آید و در همان حال نیز سبکی دارد. مثلاً، در ادبیات پارسی، گلستان سعدی در نوع «مقاله‌نگاری» با مقامات حمیدی، مشترک است ولی درسبک با وی اختلاف دارد. همچنین قصاید عرفی شیرازی در نوع شعر با قصاید عنصری مشترک است؛ ولی از حیث سبک، جدا است.» (همان: ۱۷-۱۶)

### تاریخ سبک شناسی

ادبیات منشور عرفانی بخش قابل‌اعتنایی از میراث ادبی ماست و «کشف الحقایق» مهمترین تألیف عارف بزرگ قرن هفتم هجری است که به نثر روان و فصیح نوشته شده است. و یکی از آثار مهم عرفانی و ادبی این قرن است. شیخ عزیز الدین نسفی از مردم نسف خوارزم بود وی شاگرد و مرید سعدالدین حمویه، یکی از مظاهر اصیل طبع لطیف و ذوق سلیم مسلمانان عموماً و قوم شریف ایرانی به خصوص تصوف است که سهمی عمده را در شئون زندگی این قوم داراست. و نقشی به سزا و قابل توجه در معارف و ادب صوفیانه از خود به یادگار گذاشته است و فی الحقیقه بزرگترین تجلی‌گاه لطف طبع و عظمت فکر و علو همت و سعه صدر و سلامت ذوق ملت ایران؛ همان آثار صوفیانه‌ای است که، در اصول نظری و رسوم عملی و مبادی، مقررات اخلاقی او باقی و برقرار مانده است (نسفی، ۱۳۹۱: ۷ مقدمه مصحح) این آثار گرانبها علاوه بر فواید عرفانی، علمی و کلامی که بر آنها مترتب است، دارای ارزش ادبی فراوانی است. کتاب کشف الحقایق از جمله آثاری است که بنابر نوشته دکتر احمد مهدوی دامغانی: یادگاری از نثر پخته و محکم قرن هفتم است.... در مقام مقایسه‌ی نثر نسفی با آثار منشور صوفیانه‌ی هم عصر او بلکه برتری نثر نسفی بر آنها بی هیچ تردید و یا تسامحی آشکار می‌شود.... سرتاسر کتاب از نثری یکدست و روان و دلکش آکنده است و حتی مطالب علمی و مباحث دقیق فلسفی و عرفانی نیز در منتهای سلاست و سادگی، تشریح و بیان می‌شود.

مشخصات دستوری این کتاب نیز همان مشخصات عمومی نثر قرن هفتم است؛ ولی از آنجا که، عزیز در اصل اهل ماوراء النهر بوده است به سبک نگارش قدما انس بیشتری داشته است (همان: ۱۱) به همین دلیل می توان بسیاری از ویژگی های دوره های اول نثر (مرسل و ساده) را در این کتاب جستجو کرد. مثلاً می دانیم از جمله ویژگیهای نثر مرسل یکی تکرار واژگان و اکثر فعل ها و کوتاهی جملات است بخش زیر برای نمونه آورده می شود. اهل تناسخ می گویند: «که تفاوت آدمیان در مبادی از آن جهت است که بعضی در این عالم بسیار بوده اند و از قالبی به قالبی بسیار نقل کرده اند و تجربه و استعداد حاصل کرده و بعضی در این عالم اندک بوده اند و تجربه و استعداد حاصل نکرده اند و بعضی ظالم بوده اند اکنون مظلوم اند و بعضی توانگر بوده اند و اکنون درویشند»، (همان: ۱۱۴) کندوکاو در ویژگیهای دوره و بررسی سبک ویژه نویسنده و یافتن تفاوت های معنی دار آن و پیدا کردن بسامد موارد مساله مهم است که در این پژوهش دنبال می شود.

### دوره های مختلف نثر فارسی

«نثر فارسی را به چهار دوره باید قسمت کرد و این قسمت از لحاظ تفاوت های آشکاری است که در سبک نثر هر دوره از این ادوار، پیدا آمده و آن را از سلف خود، امتیاز بخشیده است و نسبت به خلف خود نیز از همین لحاظ، ممتاز گردیده، جای خوشبختی است که نمونه هایی از هر دوره، امروز پیش روی ما، موجود می باشد و می توانیم از روی آن، قضاوتی که هر چند ناتمام است، باز دارای مبدأ و مأخذی است، بنمائیم.

### دوره اول

این دوره از آغاز تشکیل دولتهای مستقل ایرانی است، مبدأ واقعی آن از زمانی است که اولین کتاب نثر فارسی تألیف آن زمان به دست ما رسیده که، زمان نوح بن منصور سامانی؛ یعنی، اواخر نیمه اول قرن چهارم هجری می باشد. پیش از زمان نوح بن منصور نمی توان گفت کتابی به زبان دری وجود نداشته است؛ چه اطلاع داریم که، سواد مردم خراسان و ماوراءالنهر در آن دوره، فارسی زبان بوده اند و اگر فرض کنیم که آنها دارای کتاب تاریخ و افسانه و یا کتابی علمی نبوده اند؛ لااقل می توان چنین پنداشت، که در مسائل دینی و اصول و فروع احتیاج مبرمی به کتاب داشته اند و ائمه خراسان ناگزیر برای آنها از این نظر، کتبی تهیه دیده بودند؛ زیرا می بینیم که، بعد از سه قرن باوجود شیوع زبان تازی در خراسان، باز مردم آن ولایت از امام محمدغزالی خواهش کرده اند؛ که ترجمه ای از، احیاءالعلوم به فارسی بنویسد و احتیاج ایشان رافع کند و او نیز کتاب کیمیای سعادت را، برای آن مردم تألیف کرده است.» (همان: ۳۱۰-۳۰۹)

«این دوره تا اواخر قرن پنجم می کشد، و در اواخر قرن پنجم، شیوه و سبک تازه ای که تأثیر نثر عربی در آن شدیدتر دیده می شود؛ بوجود می آید، هر چند که تا اوایل قرن ششم هم کتابهایی به سبک این دوره نوشته شده است، مانند مجمل التواریخ والقصص، اما آن کتاب را می توان تقلید شده ای این دوره شمرد، زیرا می بینیم که از اواخر قرن پنجم کتبی، مانند تاریخ بیهقی و بعد از او کلیله و دمنه نصراله منشی به سبک دیگر بوجود آمده است و سبک تازه ای ایجاد شده است.» (همان: ۳۱۳-۳۱۲)

### دوره دوم

«این دوره از طلوع کلیله و دمنه؛ یعنی، از اواسط قرن ششم هجری آغاز می شود و به زودی تغییرهای عمده در آن سبک راه یافته و مبدل به شیوهی نثر فنی می گردد. تاریخ بیهقی را باید به کلی، علی حده و از کتب مخصوص بین بین شمرد، زیرا متأسفانه در شیوهی خود، متفرد و نظیرش نایاب است و گویا در همان عصر نیز از تقلید آن خودداری می شده و به نثر فنی، زیادتیر توجه نشان می داده اند. این دوره تا قرن هفتم و هشتم پیش می رود و تکامل و تطوّر منظم و آشکاری را به ما نشان می دهد و در آن واحد، دوسبک و طریقه در عرض هم نمو می کند، یکی نثر مرسل و ساده که دارای مترادفات و موازنه است و

دیگری نثر مسجع و فنی مطلق که علاوه بر مترادفات و موازنات زیاد، دارای سجع های متوالی و تکلفات فنی و التزام به صنایع لفظیه خالی است و این حالت تا اواخر قرن هفتم دوام دارد و گلستان سعدی، کاملترین نمونه این شیوه است و از آن تاریخ به بعد نثر مسجع و متکلف غلبه پیدا می کند و طریقه‌ی مذکور معکوس می شود و قدیمی ترین نمونه‌ی این شیوه؛ یعنی، نثر متکلفانه، مسجع و مصنوع مقامات حمیدی و نفثه المصدور زیدری و کاملترین نمونه‌ی آن، تاریخ و صاف می باشد. کتب متصوفه نیز از یادگاری های این عصر است که مهمترین آنها، کشف المحجوب و اسرار التوحید و تذکره الاولیاء است.» (همان: ۳۱۳)

### دوره سوم

«این دوره چنانچه گفتیم، دوره‌ی سجع و قافیه و عصر تکلف و تصنع و زمانه‌ی فساد نثر فارسی است و دبیران ایرانی از خود اعراب هم در استعمال کلمات عربی و لغات غریبه و تفنن های لایطال و اصنابهای مُمل و قافیه پردازی و فضل فروشی پیش می افتند و مأموم بر امام سبقت می جوید، در این دوره نیز مانند عصر پیشین، نثر مسجع و مصنوع بانثرهای ساده و مطبوع، هردو در عرض هم موجودند و کتب فصیح و بلیغ و زیبایی که به ندرت سجع قافیه را رعایت کرده اند، در تمام این مدت، نوشته شده و وجود داشته است، اما غلبه با نثر متکلفانه و مسجع است. این سبک از قرن ششم تا قرن سیزدهم هجری در ایران، ترکستان، هندو عثمانی دایر و رایج بوده و مراسلات درباری و واقعه نگاری و تواریخ، عمده به این شیوه نوشته می شده است و نمونه‌ی کامل این سبک، تاریخ تیمور، موسوم به ظفرنامه، تألیف شرف الدین علی یزدی و تاریخ شاه عباس دوم تألیف میرزا طاهر و حیدت تبریزی و دوره‌ی نادره و جهانگشای میرزا مهدی خان منشی نادر و گیتی گشای میرزا صادق نامی و حدایق الجنان عبدالرزاق دنبلی است.» (همان: ۳۱۴-۳۱۳)

### دوره چهارم

این دوره تا زمان بازگشت ادبی؛ نظم و نثر بنا به دلایلی تغییر پیدا می کند و نثر دیرتر از نظم، اصلاح می شود. در این دوره سبکهای مختلف در نثر به وجود می آید. لغتهای ساختگی فارسی، پیدا و نوشتن نثر به فارسی خالص، معمول می گردد. آغاز این دوره، قرن دوازدهم و قوت گرفتن آن، اواخر همین قرن است. در این عصر، قائم مقام فراهانی از گلستان سعدی تقلید می کند، بعد از او، تقلید از بیهقی و طبری و نثر دوره‌ی دوم شروع می شود و بالاخره پس از آمیزش شرقی ها با مردم مغرب و نثر جراید و روزنامه ها، سبک ساده نویسی و دوراندختن مترادفات و موازنات و سجعهای مکرر، رواج گرفته و در آخر این قرن، شیوه‌ی نثر بکلی تغییر می کند. تا امروز که دیگر از نثر مصنوع، اثری باقی نمانده است. منظور نیمه‌ی قرن چهاردهم و سبک به وجود آمده، در این زمان آینده‌ی خوبی را نوید می دهد. معروفترین نویسنده‌ی این عصر، ابوالفضل دکنی، شیخ فیضی دکنی، شیخ محمدعلی حزین، میرزا مهدی منشی نادر، میرزا صادق نامی وقایع نگار زندیه، قائم مقام و سپهر هدایت و... است. (همان: ۳۱۵-۳۱۴)

### ویژگیهای آثار نسفی

همانطور که قبلاً هم گفتیم بیشتر کتابهای نسفی براساس آراء اهل شریعت و اهل حکمت و اهل وحدت تنظیم شده و گاه از اهل تناسخ یا گروههای دیگری همچون، اهل حلول و اتحاد نیز سخن به میان آمده است. وی در کتاب زبده الحقایق خویش، تمام اعتقادات را در چهار دسته تقسیم بندی می کند و تلاش می نماید که عقاید مختلفی را که در عالم پیدا شده در جمله‌ی فروع این چهار اعتقاد قرار دهد، این چهار گروه از نظرا و عبارتند از: اهل شریعت، اهل حکمت، و دو گروه، اهل وحدت.

هرچند نسفی در آثار خود عنوان نکرده که مراد از این چهارگروه چه کسانی هستند اما بر اساس قرائن و شواهد و بررسی عقایدی که در آثارش بیان شده، می توان تاحدی ماهیت این گروهها را شناخت. منظور نسفی از آراء شریعت بیشتر سخن اهل سنت و جماعت است که در اصول از مذاهب ابوالحسن اشعری پیروی می کردند و به حدیث و روایت بسیار پای بند بودند و همچنین منظور از نظر اهل حکمت دیدگاههای فلاسفه است، هرچند به آراء حکماء اشراق هم توجه داشته اند. اهل وحدت نیز به افرادی گفته می شود که به وحدت وجود اعتقاد داشتند که خود به دو گروه فرعی تقسیم می شوند. یک «اصحاب نار یا نافیان» و دوم گروه «اصحاب نور یا مثبتان». (همان: ۳۲-۳۱)

### منظومه فکری نسفی

دیدگاههای او درباره هستی، انسان و معاد:

هستی مهمترین و جامع ترین مباحثی است که نسفی در آثار خویش به آن پرداخته و با تعبیری روان و ساده، ضمن روشن ساختن زوایای این موضوع، مراتب هستی، کیفیت آفرینش و ارتباط آنها با یکدیگر را تبیین کرده است.

### اقسام وجود

« او در این باره اهل ایمان را به دو گروه: اهل کثرت و وحدت و با اهل کثرت رابه اهل شریعت و حکمت تقسیم می کند. تفاوت اساسی بین اهل کثرت و وحدت در آن است که اهل کثرت بیش از یک وجود اهل وحدت تنها به یک وجود معتقدند. تفاوت اهل شریعت و حکمت در آن است که اهل شریعت وجود را دو قسم: یکی حادث و دیگری قدیم برمی شمارند. وجود قدیم را خداوند و حادث را مخلوق او می گویند و اهل حکمت وجود را سه قسم می دانند: واجب، ممتنع و ممکن. » (همان: ۴۹)

### سبک فکری کتاب کشف الحقایق

حکمت و عرفان اسلامی میراث گرانبهای فرهنگ اسلامی است که از زمان به وجود آمدن تا به حال تاریخ پرفراز و نشیبی پشت سر گذاشته و در حال حاضر سرمایه های ارزشمند خویش را با سخاوت به ما سپرده است. و ما زمانی می توانیم از این گنجینه های بزرگ علمی و فکری استفاده ی کافی ببریم که ذخایر آنها را بشناسیم و در مورد آنها تحقیقاتی به عمل آوریم. امروزه دامنه ی پژوهش های عرفانی بسیار گسترش یافته و انسانهای اهل فضل در زمینه های مختلف از جمله تاریخ، مبانی، آثار و شخصیت ها، تصحیح متن و زبان عرفانی به تحقیق مشغول هستند و نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله، کتاب و پایان نامه به عموم عرضه می دارند. (نسفی، ۱۳۹۱، مقدمه مصحح: ۱۰)

... برای شناخت عرفان اسلامی در سده ی هفتم ضروری است که با مشرب نسفی، آشنا شویم. روش و طریقه ی عرفانی عزیزالدین نسفی از یک سو، متمایل به دوره یا سنت عرفانی قبل از سده ی هفتم و از سوی دیگر تحت تأثیر آراء و عقاید ابن عربی و شاگردان اوست. برای همین، در کتابها و رساله های او هم مبانی عرفانی دوره ی اول وهم اصول دوره ی دوم دیده می شود که البته مبانی دوره ی دوم عرفانی، بیشتر در تألیفات نسفی به چشم می خورد. آثار عزیزالدین از نظریات موضوعات مربوط به سنت دوم عرفانی شبیه به آثار، ابن عربی است هرچند شیوه ی نگارش آن، متفاوت است. چون شارحان آراء ابن عربی اغلب زبانی را، برای بیان مطالب و موضوعات عرفانی در نظر گرفته اند؛ که باعث شده، دایره ی مخاطبان آنها محدود شود، اما بر خلاف آنان نسفی این مباحث را با نثری روان و شیوا عنوان و نگاشته، که باعث شده مخاطبانش زیاد شود و به این خاطر شیوه ی نویسندگی او ممتاز و برجسته بوده و می توان طریقه ی وی را «سهل ممتنع» خواند. او با این روش با طیف وسیعی از مردم

ارتباط برقرار می‌کند. به این سبب، در سبک وی علاوه بر سادگی و روانی به تکرار موضوع و محتوا نیز توجه شده است. (همان: ۲۰-۱۹)

### روش تحقیق

روش تحقیق در اکثر رشته‌های علوم انسانی، از نوع توصیفی، تبیینی و تحلیلی است. چون رشته تحصیلی و موضوع پایان نامه نگارنده، زیر شاخه رشته علوم انسانی است؛ به ناچار، روش تحقیق در این پژوهش نیز به صورت توصیفی، تبیینی و تحلیلی است.

ابتدا موارد سبک و سبک‌شناسی درنثر براساس کتاب‌های موجود و مقالات که در دسترس بود استخراج گردید و پس از این موارد، در جای لازم مورد استفاده قرار گرفت. روش گردآوری اطلاعات، به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. نگارنده در ابتدا سبک‌شناسی و در مورد کتاب کشف الحقایق، از عزیزالدین نسفی (عارف قرن هفتم) با مراجعه به آثار مکتوب و سایت‌های معتبر اینترنتی، فیش برداری و یادداشت نمود و تلاش کرد که از منابع معتبر، و دست اول استفاده نماید.

آثار موجود را سطر به سطر خوانده شد و نکات مهم کلیدی، اقوال و نمونه‌های مرتبط با پژوهش را استخراج و فیش برداری گردید. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌هایی بوده که در این زمینه فراهم شده بود و اطلاعاتی که در این فیش‌ها درج شده بود به صورت منابع اطلاعاتی، در اختیار نگارنده قرار گرفت در این پژوهش پس از گردآوری داده‌های خام براساس منابع سبک‌شناسی، دیدگاه‌های مختلف به صورت تحلیل و بی‌طرفانه بدون قضاوت شخصی یا پیش‌داوری، در دو بخش سبک دوره‌ی کشف الحقایق و سبک شخصی نویسنده مورد بحث قرار گرفته است.

### یافته‌های تحقیق

عزیزالدین بن محمدنسفی، یکی از مشاهیر و عرفای قرن هفتم هجری و از مریدان و پیروان معروف سعدالدین حموی یا حموی (۵۸۶-۶۴۹ ه.ق) عارف بزرگ و متنقذ اواخر قرن ششم و نیمه‌ی اول هفتم است. منشأ او شهرنخشب (نسف) بود و از آنجا به بخارا رفت و تا ماه رجب سال ۶۷۱ ه.ق. آنجا بود و چون همه‌ی کسانش در فتنه‌های پیاپی کشته شده بودند، از ماوراءالنهر به خراسان و بعد از چندی به اصفهان و از آنجا به شیراز مهاجرت نمود، سپس در ابرقوه، سکونت اختیار کرد و در همانجا بدرود حیات گفت.

وفاتش را حاج خلیفه در سال ۵۳۳ ه.ق. نوشته و این بکلی باطل است زیرا، در این صورت می‌بایست عزیز نسفی که مرید سعدالدین حموی بود، پنجاه و سه سال پیش از ولادت مراد خود در گذشته باشد. سنین دیگری را هم در این مورد آورده اند؛ از آن جمله، بلوشه، تاریخ ۶۶۱ ه.ق. را ذکر کرده و مرحوم سعید نفیسی یکبار وفات او را به سال ۶۱۶ ه.ق. دانسته (و این مسلماً اشتباه است) و بار دیگر گفته است که از سال ۶۸۰ ه.ق. به بعد در ابرقوه، ساکن شده و پیش از سال ۷۰۰ ه.ق. در گذشته است. از آن جمله نوشته است که کتاب «انسان کامل» را در سال ۶۸۰ ه.ق. در شیراز به پایان رسانیده است. فرار او از ماوراءالنهر به خراسان را، بعضی، مانند هدایت در مجمع الفصحا نتیجه‌ی حمله‌ی مغول و مربوط به سال ۶۱۶ ه.ق. می‌دانند.

از آثار معروف او به فارسی، یکی، منازل السائرین، (غیر از منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری) و دیگر مقصدالاقصى، کشف الحقایق، و اصول و فروع؛ و مبداء، معاد و کشف صراط و انسان کامل در ۲۲ جزء است، و برخی از رسائل و کتابهای خود را به درخواست سید تاج الدین ابرقوه‌ی درکوه ابراهیم ابرقوه، تألیف کرده و شیوه‌ی نگارش در همه‌ی آنها ساده و نثر عزیزالدین، همه جا فصیح و زیباست. (صفا، ۱۳۷۱)

از آنجایی که رسیدن به کمال، همواره مهمترین هدف اهل معرفت بوده، هریک از آنان، کوشش نموده اند تا کمال را تعریف کنند و ویژگی صاحبان کمال را برشمارند. عزیز الدین نسفی از جمله نویسندگانی است که درباره‌ی موضوع کمال، به تفصیل سخن گفته و راههای رسیدن به این مقصد، موانع و حجاب های راه و «بلوغ و حریت» را بررسی کرده است. نسفی با جداساختن مقام «کاملان مکمل» از «کاملان» و اختصاص آن به انبیاء و اولیاء الهی ورود به بحث پراهمیت نبوت و ولایت، بر دو محور اصلی تفوق ولی بر نبی یا نبی بر ولی تبیین می کند. (دینانی، ۱۳۹۲)

«سبک شناسی، علمی است که در نتیجه‌ی ترقی زبان فارسی و توجه دولت و مردم به نثر و ترویج این زبان در این چند سال اخیر، موجود گردید و نمونه های کوچکی از آن، در حواشی و مقدمه‌ی کتب مطبوعه که به وسیله‌ی فضلالی متبخر به طرز جدید با تحقیقات علمی، تصحیح شده است. گاه به گاه دیده می شود؛ این علم، گذشته از آشنا کردن طلاب ادب با کتب قدیم و جدید و شناساندن نویسندگان و استادان نثر فارسی، تاریخ کتابها، شرح حال مؤلفان هر کتاب، که خود علمی است مستقل، فواید دیگری نیز در بردارد. از قبیل؛ مأنوس شدن با تاریخ قدیم ایران و تمدن و آداب باستان، فهرست زبانها و خطوط و لهجه های کهن، و به دست آوردن رشته‌ی ارتباط بین امروز و دیروز، تسلسل حوادث و تطوّر زندگانی مردم این مرز و بوم که خود خدمتی است به تاریخ این مملکت و از همه مهمتر؛ فایده اش، مأنوس شدن دانشجویان با صرف و نحو زبانهای فارسی از پهلوی و دری، و قادر شدن مردم به فهم و درک لغات و اصطلاحات قدیم، و فراگرفتن طرز انشاء هر دوره، و تفاوت نهادن میان نوشته های هر دوره با دوره‌ی پیشین و پسین و قدرت یافتن به قرائت متون مختلف و نثرهای گوناگون ادوار قدیم و متوسط و پی بردن به حسن و قبح نثر و درک عمل ترقی و انحطاط نثر در هر دوره که نتیجه‌ی مجموع این بررسیها، کامل شدن سواد فارسی و توانایی دانشجوی برانتخاب سبک مطبوع و احتراز از اغلاط و بی سلیقگی فراوانی که نثر فارسی را از حلیه ی زیبایی و لطف طبیعی، انداخته است، می باشد.» (بهار، ۱۳۸۱)

#### ۱. آوردن صفت شمارشی یا ترتیبی سوم به صورت «سیّوم»:

در بررسی های به عمل آمده در نثر کتاب دیده می شود که نویسنده به جای نوشتن کلمه ی سوم از کلمه سیّوم استفاده کرده است که یک ویژگی سبکی به حساب می آید و گاهاً در مورد کلمه ی دوم نیز دیده می شود که به صورت دویم نوشته شده است.

« و سیّوم مذهب، مذهب یاربود.» (همان: ۱۲)

#### ۲. تکرار ضمیر مشترک «خود» در جملات:

« ضمیر مشترک آن است که با یک صیغه در میان متکلم و مخاطب و غایب مشترک باشد و همیشه مفرد استعمال می شود:

من خود آمدم - تو خود آمدی - او خود آمد

آوردن فعل جمع برای فاعل مفرد «هرکس»:

این شاخصه سبکی تا روزگار سعدی نیز رواج داشته مثلاً سعدی می فرماید:

«هرکس به تماشایی رفتند به صحرای ما را که تو منظوری، خاطر نرود جایی»

که در نثر این کتاب نیز نمونه هایی بدین صورت دیده می شود.

«و هرکس به محله خود رفتند.» (همان: ۳۷)

«و این فکر را هرکس به نام خوانده اند.» (همان: ۱۹۸)

استفاده از «اند» به جای فعل استند به معنی «هستند»:

«و مراد از اهل کثرت آنها اند که دو وجود اثبات می کنند.» (همان: ۲۱۳)

«و مراد از اهل وحدت آنها اند که وجود اثبات می کنند.» (همان: ۲۱۴)

#### ۳. آوردن اشعار ضمن نثر:



که این شیوه یعنی آوردن اشعار ضمن نثر در اواخر قرن ششم رایج شد.

آن عزیز از سرهمین نظر گفته است:

- «قومی به خیال درغور افتادند  
وز غایت جهل در سرور افتادند  
معلوم شود چوپرده ها برگیرند  
کز کوی تو، دور دور افتادند» (همان: ۴۲)
۴. استفاده از کلمه «بیچاره» به جای «من» یا «بنده» از جهت تواضع و فروتنی :  
«واین بیچاره در آن تاریخ در شهر بخارا بود با جماعت درویشان.» (همان: ۴)  
«اما آنچه اعتقاد این درویش است و اختیار این بیچاره در این کتاب نیاوردم.» (همان: ۹)
۵. استفاده از کلمه «نه» برای منفی کردن جملات :

در واقع فعل نخست به قرینه ی لفظی حذف می شود.

«امکان تجربه ندارد و محتاج مکان نه.» (همان: ۲۹)

«چون معلوم کردی که نور متجزی و منقسم نیست و محتاج مکان نه پس جزء نور خدای در ما باشد.»  
(همان: ۲۹)

۶. استفاده از احادیث:

از ویژگی های متون عرفانی بهره گیری از آیات و احادیث است که در ذیل به نمونه هایی اشاره می شود.

۱- اِنَّ عَلٰی مَا يَشَاءُ قَدِيْرٌ وَّ بِالْاِجَابَةِ جَدِيْرٌ . (همان: ۳)

۲- كُلُّ مَيْسَّرٍ لِّمَا خُلِقَ لَهُ. (همان: ۱۰)

۳- كُلُّ مَوْلُوْدٍ يُّوَدُّ عَلٰى الْفِطْرَةِ فَاَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهٖ وَّ يُنصِّرَانِهٖ وَّ يُمَجِّسَانِهٖ. (همان: ۱۱)

۷. آیات موجود در کتاب:

۱- لَاحَوْلَ وَّ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَّ اِلَيْهِ اُنِيْب. (۸۸/ هود) (همان: ۱۸)

۲- لَيْسَ كَمِثْلِهٖ شَيْءٌ وَّ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْر. (شوری ۱۱) (همان: ۲۰)

۸. افعال پیشوندی:

«مذاهب مختلف از میان مردم برخیزد: از میان برود) و جمله را یک مذهب شود.» (همان: ۵)

«با پدر برفتم و به مسجد درآمدیم: وارد شدیم.» (همان: ۶)

«ایشان هر سه برخاستند: بلند شدند) و جواب سلام باز دادند: پس دادند.» (همان: ۶)

۹. آوردن جملات تکراری برای تأکید بر فهم مطلب و فاصله نگرفتن از اصل مطلب:

«تا سخن دراز نشود واز مقصود باز نمائیم.»

همان: ۳۱/۱۱/۳۱/۴۷/۴۸/۶۱/۹۱/۱۴۱/۱۴۵/۱۵۸/۱۶۷/۱۸۶/۱۹۲/۲۰۲/۲۰۷/۲۱۵/۲۳۱/۲۳۷/۲۵۴/۲۷۸/۲۸۲/۳۱۶/۳۲۱

«سخن دراز شد و از مقصود دور افتادیم.»

(همان: ۱۴/۲۶/۳۵/۵۴/۸۶/۱۰۳/۱۲۹/۱۵۶/۱۵۹/۱۸۱/۲۰۳/۲۰۳/۲۶۱/۲۳۸)

۱۰. آوردن «ب» بر سرافعال :

«با پدر برفتم و به مسجد درآمدیم.» (همان: ۶)

«آن گاه بنشستند و من در پیش ایشان بنشستم.» (همان: ۶)

۱۱. استفاده از «ی» در آخر افعال به جای آوردن «می» در اول آن:

اغلب «ی» مفهوم استمرار و شرط دارد که به نمونه هایی از نثر کتاب اشاره می شود.

«اگر از اشارت و رموز ما را چیزی مفهوم آمدی: می آمد، هم از لحاظ اولیاء و انبیاء (ع) فهم کردیمی: می کردیم)، درخواست ایشان را اجابت کردم، که گر نکردمی (: نمی کردم) ظلم بودی: می بود) و از خداوند تعالی مدد خواستم.» (همان: ۳)

۱۲. استفاده از صورتهای صرفی فعل «بود» به صورت (بُوم، بُوی، بُود) به جای باشد و غیره: «بعضی کسان صبور باشند و در تحمل بار اسرار قوی بُوند: باشند.» (همان: ۱۵)  
«نظر کن که در عالم چندمذهب بُود (: وجود دارد).» (همان: ۲۳)  
۱۳. کاربرد «می» قبل از فعل در حالت‌های مختلف:

«در صحبت یکدیگر می بودیم (: بودیم، گذشته استمراری).» (همان: ۱)  
«می باید (: باید، فعل ساده) که بی تعصب و بی تکیه و بی زیادت باشد.» (همان: ۳)  
۱۴. استفاده از «ی» و «یکی» نکره که اغلب مفهوم وحدت را نیز با خود دارد: «می خواهد که زبان، شهوت و غضب وی چنان شوند که به واسطه ایشان زحمتی و ندامتی به وی نرسد.» (همان: ۷)  
«مگر که در آن میان معصومی باشد.» (همان: ۲۳)

۱۵. استفاده از علامت «مر» در جملات در معانی مختلف: باید دانست که نشانه معمولاً با «را» همراه است نشانه‌ی تأکید هم هست.  
«این آیه مفسر است، مر (: برای) این آیت را.» (همان: ۲۸)  
۱۶. از مختصات دیگر کتاب داشتن سجع در جملات است که بسیار خفیف است: از انواع جناس می توان جناس مضارع را نام برد که تفاوت در حرف اول کلمات است همچنین جناس ترصیع را نام برد که هر لفظی با قرینه ی خود در وزن و حروف روی مطابق باشد همچنین سجع مطرف که در حرف روی یکی و در وزن متفاوتند که در این مثال ها بیشتر ترصیع دیده می شود.

«من در اخفا و پوشیدن سعی کرده ام او در اظهار و گشاده کردن سعی کرده است.» (همان: ۳)  
۱۷. تکرار «که» در جملات:

«که» و «چه» بر سه قسم است: موصول، حرف ربط، استفهام، ضمیر مبهم بیشتر به صورت حرف ربط به کار رفته است  
«بدان که اهل اتحاد می گویند که نورخدای به مثبت شمع است.» (همان: ۳۲)  
«شمعی که در آینه است و شمعی که در میان است.» (همان: ۳۲)

۱۸. تکرار فعل (افعال به صورت یک شکل تکرار می شوند و از قرینه‌ی لفظی استفاده نشده):  
«بامداد روز جمعه بود، جمعه اول ماه رجب بود.» (همان: ۴)

«پس هر که را اعضاء و جوارح در فرمان است. او امیر است، امیر لقب او است.» (همان: ۸)  
«اگر چنان بودی که جمله را استعداد یک چیز بودی.» (همان: ۱۰)  
۱۹. کاربرد «خدای» به جای کلمه ی «خدا»:

«گفتند که او در عصمت خدای است.» (همان: ۷)  
«در حفظ خدای آن کس است که اعضاء و جوارح بی فرمانی نکرده باشد.» (همان: ۷-۸)  
«اهل تعطیل صفات خدای را منکر شوند.» (همان: ۱۸)

۲۰. کاربرد «ت» کشیده درواژه هایی که امروزه با «ة» گرد نوشته می شود:  
«بندگی خود را به خداوند اضافت (اضافه) کردند.» (همان: ۱۸)  
«هریک از این فرق شش گانه به دوازده فرقت (فرقه) شدند و هفتاد و دو فرقه جمع آمد.» (همان: ۱۹)

۲۱. تقدم فعل بر سایر ارکان جمله

یکی از مشخصه های نگارش این کتاب این است که در بسیاری از جملات ترتیب قرار گرفتن اجزای جمله به هم خورده و خصوصاً فعل که معمولاً در پایان جمله می آید از سایر متعلقاتش جلوتر آمده و جمله بدون فعل پایان می یابد و این در حالی است که فعل وسط جمله قرار گرفته است. به نمونه هایی از این جملات اشاره می شود:

« این بیچاره در آن تاریخ در شهر بخارا بود باجماعت درویشان. » (همان: ۴)

این بیچاره در آن تاریخ با جماعت درویشان در شهر بخارا بود.

۲۲. کوتاهی جملات با فعل های متفاوت:

به طور کلی قابل ذکر است که جملات به کار برده شده در نثر کتاب کوتاه است که از مشخصه های بارز نثر مرسل است.

« جمله ی چیزها را، چنان که آن چیز است، دانست. » (همان: ۳)

« در این کتاب ده رساله جمع کرده آمد. » (همان: ۴)

۲۳. جمع کلمات عربی، بانسانه های «ان» فارسی:

« سالکان و مخلصان را گشایش باشد. » (همان: ۲)

« در سخن عزیزان نظر کردن حرام باشد. » (همان: ۱۳)

۲۴. استفاده از واژگان ناآشنا، غریب، کلماتی که امروز کاربردی ندارند:

در اینجا می توان گفت استفاده از این ویژگی به عنوان یک شاخصه سبکی نثر کتاب به حساب می آید.

« بیماری ما راشفا پیدا نمی آید: حاصل نمی شود. » (همان: ۲)

« در هیچ موضعی سکوت و دل نهادگی: (دلبستگی) پیدانمی آید. » (همان: ۴)

۲۵. کاربرد فراوان واژه های عربی :

« آن شب که عزم کردم که این کتاب را از سواد به بیاض برم تا به نظر عزیزان مشرف شود. » (همان: ۴)

« هر معانی که من در چهارصد پاره دفتر از صغار و کبار جمع کرده ام. » (همان: ۶)

۲۶. کاربرد جمع مکسرهای فراوان :

« با خلق می گویند تا به طفیل صدف صورت دَرَر لَکَی معانی را قبول کنند. » (همان: ۱۵)

« و این چندین مذاهب مختلف که پیدا آمد. » (همان: ۱۵)

۲۷. استفاده فراوان از یاء مصدری:

« این دانایی: (دانا بودن)، بینایی: (بینا بودن) و شنوایی: (شنوا بودن) که در ماست، نور خدای است. » (همان: ۲۹)

« پیشوایی: (پیشوا بودن) و مقتدایی: (مقتدا بودن) را به خود راه ندهند. » (همان: ۴۳)

## بحث و نتیجه گیری

هرچه علم پیشرفت می کند، کتاب و کتابخوان زیادتر می شود، و هرچه کتابخوان زیادتر می شود، نویسنده و مؤلف زیادتر شده؛ و باعث ترقی علم می شود و ترقی علم باعث بوجود آمدن خلاقیت و نوآوری از طرف اهل علم می گردد و شیوه های جدید علم و یادگیری شناخته می شود و این عامل مهم تحول است و سبب می گردد تا کتابهای علمی هر چند سال یکبار عوض شده و در نسخه ی جدید چاپ و منتشر شود. بشر مانند کودکی در حال رشد است که هر سال بزرگتر و لباسش برتن او کوچک و نیاز به پوشیدن و تهیه لباس جدید دارد. در مملکت ما نیز سیر صعودی علوم چشمگیر بوده و دنیا طوری به هم پیوسته است

که حرکت یک طرف موجب می شود که طرف دیگر نیز به حرکت درآید، طی مطالعات انجام گرفته، روشن شده که نثر پارسی طی چندین قرن دچار تحولات عظیمی گشته و به دوره های متفاوتی تقسیم شده و درنهایت به مرحله ای رسیده؛ که درحال حاضر، ما از آن استفاده می کنیم، (بهار، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳)

اهدافی که ما در این تحقیق به دنبال آن بودیم، تعیین ویژگی های سبکی (زبانی) کتاب کشف الحقایق و همچنین تعیین ویژگی های اختصاصی این کتاب بود. در فرضیه های تحقیق عنوان شده بود که نثر عزیزالدین دربردارنده همه ویژگی های نثر مرسل است و نثر او بعضی از ویژگی های نثر فنی را دارد. بعد از مطالعه و پژوهش در مورد ویژگی های سبکی کتاب کشف الحقایق توانستیم به این نتایج برسیم که محتوای کتاب، دارای حدوداً چهارده مورد از مشخصه های نثر مرسل از جمله: مرسوم نبودن مترادفات، جمع بستن کلمات عربی با نشانه های فارسی، کاربرد «ی» مصدری و ساختن اسم مصدر، اسم نکره با آوردن یکی و «ی» یا هردو و گاهی اوقات مثل امروز فقط آوردن «ی» نکره بر روی اسم، آوردن «مر» نشانه مفعول در معانی مختلف، استفاده از افعال پیشوندی، استفاده از صورت های صرفی فعل «بود» به صورت «بوم، بوی، بود»، استفاده از قید نفی و «نه» برای منفی ساختن، آوردن «ب» بر سر افعال، آوردن «ی» به ظاهر زائد در آخر فعل، اختصار و کوتاهی جملات، تقدم فعل بر سایر متعلقاتش، و تکرار اسم و فعل است. این مشخصات آنقدر واضح و آشکار است همچنین مطالب آنقدر ساده و قابل فهم است که هر خواننده ای، با نگاه اول و مطالعه ی آن متوجه نثر روان و ساده کتاب می گردد و مطالب برایش بسیار شیرین و جذاب و قابل فهم می شود. علاوه بر وجود آثار و مشخصات نثر مرسل خواننده متوجه وجود یک سری از ویژگی های نثر بین بین در سبک کتاب می شود که از جمله می توان به کمیاب بودن مترادف ها، تمثیل و استشهاد به آیات و شواهد شعری که تقلید از نثر فنی عرب است و از قرن چهارم در بغداد رایج شد و استعمال لغات تازی، لغاتی که یا معادل فارسی ندارند و یا لغات درباری و دولتی به حساب می آیند اشاره کرد. لازم به ذکر است با توجه به اینکه نویسنده ی این کتاب، در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم می زیسته و تحت تعلیم و تربیت استادان خود که همگی از شاعران و نویسندگان قرن ششم بودند؛ قرار داشته و سبک رایج آن قرن هم، سبک فنی بوده؛ همانطور که در فصل دوم پایان نامه اشاره شد، بعد از به پایان رسیدن یک دوره و انجام تحولات سیاسی، فرهنگی و تغییر سبک های نظم و نثر، و پیدایش دوره جدیداً فرهنگ جدید و سبک تازه تا فراموش شدن کامل آثار سبکی دوره قبل و رایج شدن فرهنگ و سبک دوره جدید و تثبیت آن، دوره ای به وجود می آید؛ که به آن، سبک بین بین گفته می شود یعنی در تمام آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان دوره جدید آثار و نشانه های دوره قبل دیده می شود که همین علامت و نشانه ها در کتاب کشف الحقایق وجود دارد. همچنین با دقت در محتوا و سبک کتاب آثار و نشانه هایی چون: کثرت کاربرد لغات عربی، استفاده از آیات و احادیث و اشعار و در آمیختگی نظم و نثر و موسیقایی بودن کلام که از مشخصه های بارز نثر فنی است، در کتاب دیده می شود. به طور کلی می توان گفت: چهارده مورد از ویژگی های سبکی نثر مرسل، سه مورد نثر بین بین و چهار مورد مشخصه بارز نثر فنی در کتاب به چشم می خورد. از ویژگی ها و مشخصه های دیگری که در کتاب یافت شد و می توان آن را از اختصاصات سبک شخصی نویسنده برشمرد، می توان به این موارد اشاره کرد: آوردن صفت شمارشی سوم به صورت «سیوم»، تکرار ضمیر مشترک خود، آوردن فعل جمع برای فاعل مفرد «هرکس»، استفاده از «اند» به جای است به معنی می باشد، استفاده از کلمه بیچاره به جای خود یا، بنده، آوردن جملات تکراری برای تأکید بر فهم مطالب از جمله «چنین می دانم که فهم نکردی روشن تر از این بگویم»، تکرار «که» در جملات، استفاده از صورت نوشتاری «خدای» به جای خدا، استفاده از واژگان نا آشنا که امروزه کاربردی ندارند، کاربرد می قبل از فعل در حالت های مختلف، کاربرد جمع مکسر های فراوان در جملات و همچنین کاربرد «ت» کشیده فارسی در واژه هایی که امروزه با «ة» نوشته می شوند که این دوازده مورد جزء ویژگی های سبک شخصی عزیزالدین است. از قرن هفتم به بعد، نثر ساده به حیات خود به موازات نثر فنی ادامه داد و نثر مرسل و ساده نویسی در بین نویسندگان رایج شد و این در حالی است که سبک دوره قبل فنی و پیچیده و دیر فهم بود با وجود همه اینها به طور کلی در خصوص آثار نسفی می توان گفت: نثر آثار نسفی، در میان آثار عرفانی، برجسته و ممتاز است. ویژگی مهم نثر نسفی، سادگی و روان بودن آن است. زیرا قلم او در عین آن که ساده و روان نوشته، به ابتذال کشیده

نشده و از حد یک نثر ادبی خارج نشده است. واژه ها و عبارتهای او بجا و مناسب انتخاب شده اند و به خوبی پیام نویسنده را به مخاطب، منتقل می کند. کوشش برای برقراری ارتباط مناسب با مخاطبان خویش سبب شده او مطالب خویش را در قالبی ساده و بی پیرایه ارائه کند، به همین دلیل ویژگی دیگری در نثر او، به چشم می خورد و آن تکرار است. گاهی واژه ها و عبارتها در آثار وی چند بار تکرار می شود و در بعضی از مطالب این تکرار، بیش از حد به نظر می رسد. سادگی و تکرار و خطابی بودن نثر او، برای آن است که؛ وی بتواند حقایق و اسرار را، تا حدی که ممکن است با زبانی قابل فهم برای مریدان و مخاطبان، بازگو کند. بیان مکرر عبارت «می دانم فهم نکردی، روشن تر از این بگویم» در کتابها و رساله های نسفی به این دلیل است که، وی اطمینان حاصل کند، حقایق و معانی مورد نظر را به روشنی به مخاطب خویش، منتقل کرده است. و کلام آخر اینکه سبک غالب کتاب نثر مرسل است و نشانه هایی هم از نثر فنی و بین در آن دیده می شود که نتیجه تغییر دوره می باشد.

## منابع

۱. ابراهیمی دینانی، آرزو، (۱۳۹۲)، «کمال در مشرب عرفانی عزیزالدین نسفی» فصل نامه کاوش نامه، شماره ۲۷، صص ۱۴۶-۱۰۳
۲. بهار (ملک الشعرا)، محمد تقی، (۱۳۸۱)، سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، (جلد اول)، چاپ اول، تهران: انتشارات زوآر
۳. بی نام، (۱۳۴۴)، «انتقاد کتاب کشف الحقایق»، فرهنگ ایران زمین، شماره ۱۳، صص ۳۱۰-۲۹۸
۴. خطیبی، حسین، (۱۳۷۵)، فن نثر در ادب پارسی - تاریخ تطور و مختصات و نقد نثر پارسی از آغاز تا پایان قرن هفتم، (جلد اول)، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوآر
۵. رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۰)، انواع نثر فارسی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
۶. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۳)، ارزش میراث صوفیه، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر
۷. سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات طهوری
۸. صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران، (جلد سوم، بخش دوم)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات فردوس
۹. قریب، عبدالعظیم، و دیگران، (۱۳۷۳)، دستور زبان فارسی، به کوشش امیر اشرف الکتابی، چاپ یازدهم، تهران، نشر جهان دانش
۱۰. نسفی، عزیزالدین ابن محمد، (۱۳۹۱)/ الف، کشف الحقایق، تصحیح و تحلیل آثار و تعلیق دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، چاپ اول، تهران:
۱۱. محبوب، محمد جعفر، (۱۳۷۲)، بررسی مختصات سبک فارسی از آغاز ظهور تا قرن پنجم، تهران: انتشارات فردوس